منهای فوتبال

سیاست، دایموندلیگ را از حدادی گرفت

احسان حدادی قهرمان و رکورددار پرتاب دیسک آسیا، در مورد غیبتش در دایموندلیگ مراکش گفت:«من باید در این رقابت شرکت می‌کردم تا امتیازات لازم را برای حضور در فینال جمع کنم، اما متاسفانه دعوتم نکردند. مدیر برنامه‌هایم اعلام کرد مراکشی‌ها گفتند حدادی را دعوت نمی‌کنیم و به او ویزا هم نخواهیم داد. ورزشکار سوریه‌ای هم به من گفت به او هم ویزا ندادند. نمی‌دانم واقعا علت این کارها در ورزش چیست. پیش از این ۱۰ امتیاز داشتم و می‌توانستم به فینال بروم. اما حالا هیچ چیز مشخص نیست. مرحله بعد هم در لندن برگزار می‌شود و آنجا هم برای ویزا مشکل داریم. من در کورس رقابت با برترین‌های جهان بودم و مسابقه دادن در آمریکاالان فایده‌ای ندارد. همه چیز در دایموند لیگ است.» او افزود:«به خاطر تحریم‌ها هیچ اسپانسر خارجی هم از ما حمایت نمی‌کند. من اگر در دایموندلیگ سوم هم می‌شدم حداقل ۲۵ هزار دلار از اسپانسرها می‌توانستم جایزه بگیرم، اما با این شرایط نمی‌شود. متاسفانه در داخل هم حمایتی وجود ندارد. اردوهایی هم که اعزام می‌شویم با هزار و یک مشکل انجام می‌شود.» احسان حدادی تنها دوومیدانی کار ایران است که مدال المپیک را در کارنامه دارد. او برای المپیک ۲۰۲۰ هم شانس مدال است ولی به شرط اینکه بگذارند!

کولاکوویچ عصبانی شد

ایگور کولاکوویچ پس از دیدار تیم‌های ملی والیبال ایران و لهستان در نشست خبری و در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه استفاده از ترکیب ثابت موجب فرسودگی تیم خواهد شد یا خیر؟ عنوان داشت:«شما چرا اولین سوال‌تان را به جای تبریک پیروزی اینگونه می‌پرسید که چرا فقط ۶ بازیکن بازی کردند؟ ما بردیم، اما شما از ما سوال می‌کنید چرا با ترکیب ثابت بازی کردیم؟ کریمی، یلی، شریفی و... را هم به بازی فرستادم و ۱۱ بازیکن را در زمین قرار دادم. شما دنبال چه چیزی هستید؟ به نظر من شما می‌توانستید سوالات زیادی در مورد نحوه مربیگری من و برد امشب از من سوال کنید. من هفت بازی را بردم و امیدوار هستیم که به فینال برسیم. شما باید خیلی به این بازیکنان افتخار کنید.» او افزود:«شما می‌توانید من را بکشید و خواهش می‌کنم این کار را بکنید. من برای این کار آماده هستم، اما حق این بازیکنان را بیشتر در نظر بگیرید، چرا که آنها قهرمان‌های واقعی ایران هستند.» تیم ملی والیبال در سه هفته نخست لیگ ملت‌های والیبال تا پیش از بازی دیشب تنها یک باخت برابر برزیل ثبت کرده است و تا پیش از بازی با روسیه صدرنشین مسابقات بود. همین موضوع باعث شده امیدواری زیادی شکل بگیرد تا پس از چند سال فینال این رقابت‌ها با حضور تیم ایران برگزار شود.

سفر عجیب اروپایی سرپرست تازه کار!

بهروز نعمتی سرپرست فدراسیون کشتی به دلیل آنچه گفت‌وگو با لالوویچ در خصوص مسائل روز کشتی عنوان شده راهی زوریخ شده است! این در حالی است که او به عنوان نماینده مجلس مدتی است سرپرست کشتی شده تا انتخابات را برگزار کند و برود. سفر نعمتی به سوییس از مدت‌ها پیش مورد انتقاد بسیاری از اهالی کشتی قرار گرفته بود و این عده معتقد بودند چه لزومی دارد وی که باید به زودی جای خود را به رییس جدید فدراسیون دهد، به چنین سفری برود. مشخص نیست آیا او تخصص و اشراف فنی کافی از وضعیت کشتی ایران و جهان را در این نشست دارد یا خیر؟ گویا نعمتی سفری رفته که بیشتر به رفع خستگی پایان دوره سرپرستی‌اش در فدراسیون شبیه است و دستاوردی برای رییس بعدی نخواهد داشت. شاید هم وی از وزارت چراغ سبز را برای ماندن در فدراسیون و حضور در انتخابات گرفته که اقدام به چنین کاری در این اوضاع اقتصادی کرده! ضمن اینکه او در این سفر همراه بی‌ربط هم دارد!

نگاهی به بهترین خریدهای فصل گذشته لیگ برتر

۱۲ مرد درخشان

تنور فصل تازه نقل‌وانتقالات به سرعت داغ شده و چند باشگاه از همین حالا با ستاره‌های جدیدشان قرارداد رسمی امضا کرده‌اند. شاید نگاهی به موفقیت‌آمیزترین خریدهای فصل گذشته لیگ برتر، راه را در خریدن نفرات جدید به تیم‌های مختلف نشان بدهد. در میان همه بازیکنانی که در تابستان و یا زمستان گذشته به یکی از باشگاه‌های لیگ برتری ملحق شدند، خریدهای ناموفق زیادی وجود داشت اما ۱۲ بازیکن، توانستند فراتر از حد انتظار ظاهر شوند و فصل فوق‌العاده‌ای را پشت سر بگذارند. نفراتی که بدون تردید در پنجره جدید نقل‌وانتقالات، با پیشنهادهایی بهتر و مرغوب‌تر برای تمدید با تیم‌شان و یا پیوستن به یک تیم دیگر روبه‌رو خواهند شد.

آریا طاری

پیام نیازمند

وقتی در تابستان گذشته از پیکان به سپاهان ملحق شد، خیلی‌ها تصور می‌کردند هنوز از تجربه کافی برخوردار نیست. پیام نیازمند اما به سرعت با شرایط بازی در یک تیم بزرگ وفق پیدا کرد و فصل درخشانی را پشت سر گذاشت. او در تمام بازی‌های این فصل تیم ژنرال فیکس شد و تقریبا به ازای هر دو مسابقه، یک کلین‌شیت انجام داد. پیام بدون تردید آماده‌ترین گلر این فصل لیگ بود. اوج هنرنمایی او، در دیدار برگشت با پدیده عیان شد. بدون درخشش این بازیکن در آن مسابقه، سپاهان هیچ سرانجامی به جز شکست نداشت. نیازمند مزد نمایش‌های خوبش در این فصل را با حضور در تیم ملی گرفت.

آیاندا پاتوسی

در نیم‌فصل به جمع آبی‌ها اضافه شد تا خاطره خریدهای ناموفقی مثل گرو و نویمایر را از ذهن‌ها پاک کند. او با کش و قوس فراوان سرانجام مجوز بازی در لیگ برتر ایران را دریافت کرد، از اولین بازی تا آخرین بازی، همواره خیره‌کننده بود و با سانترها و ضربه‌های دقیقش، به کلیدی‌ترین مهره این فصل استقلال تبدیل شد. آیاندا در تابستان تیمش را تهدید به جدایی کرده اما احتمالا با دریافت مطالبه‌ها، در استقلال خواهد ماند.

مهدی ترابی

در تابستان رسما سرخپوش شد اما به دلیل محرومیت باشگاه از نقل و انتقالات، تا پایان نیم‌فصل در سایپا باقی ماند. هرچه فصل به هفته‌های پایانی نزدیک شد، مهدی ترابی نیز بیشتر از گذشته ارزش‌هایش را در تیم برانکو اثبات کرد. پاس گل قهرمانی فصل، آخرین هنرنمایی مهدی ترابی در ترکیب قرمزهای پایتخت محسوب می‌شد.

مسعود ریگی

تنها دو بازیکن در این فصل در همه دقایق در ترکیب تیم‌شان حضور داشتند. بعد از پیام نیازمند، دومین بازیکن مسعود ریگی بود که ۲۶۱۰ دقیقه برای پدیده توپ زد. یک سال قبل در چنین مقطعی، مسعود پیراهن بادران تهران را بر تن داشت. این بازیکن با تصمیم یحیی گل‌محمدی راهی پدیده شد و فصل فوق‌العاده‌ای را در مشهد سپری کرد. پس از تنها یک فصل در خشش در لیگ برتر، او حالا مورد توجه باشگاه استقلال قرار دارد و احتمالا به زودی فوتبالش را در پایتخت ادامه خواهد داد.

اشکان دژاگه

«برای استراحت به ایران نیامده‌ام.» این جمله دژاگه در اولین روزهای حضور در تراکتورسازی، انگیزه بالای او برای درخشیدن در تبریز را به نمایش می‌گذاشت. در میان خریدهای انبوه تیم پرهزینه زنوزی، اشه مهم‌ترین و بهترین خرید باشگاه از کار درآمد. او با بازی‌های خوبش در ترکیب قرمزهای تبریز، در بین هواداران باشگاه نیز به شدت محبوب شد.

کریستین اوساگونا

از شروع فصل، مشکل گل‌زنی همواره برای ذوبی‌ها آزاردهنده بود اما علیمنصور با جذب کریستین اوساگونا در نیم‌فصل، این مشکل را حل کرد. مهاجم آفریقایی ذوب هم در لیگ برتر و هم در لیگ قهرمانان آسیا کلیدی‌ترین ستاره هجومی تیمش شد. کریستین با سرعت و البته دقت در لحظه‌های حساس، نقش مهمی در تحول بزرگ باشگاه اصفهانی در فصل گذشته ایفا کرد.

محمد قاسمی‌نژاد

یکی دیگر از خریدهای هوشمندانه یحیی برای پدیده، از خونه به خونه بابل جذب شد. قاسمی‌نژاد نقش مهمی در طراحی حملات پدیده مشهد داشت و در پایان فصل، یکی از بهترین پاسورهای لیگ برتر هجدهم لقب گرفت. او که در تابستان با پیشنهاد چند باشگاه مواجه شده بود، سرانجام فولاد را به عنوان مقصد تازه‌اش در نظر گرفت.

کی‌روش استلنی سوارز

مهاجم بلندقامت ذوب، با ژنرال از این تیم جدا شد و با این مربی به سپاهان پیوست. شرایط بدنی او کاملا مناسب فوتبال مدنظر امیرقلعه‌نویی بود. کی‌روش با ضربه‌های سر دقیق، چند گل حیاتی برای سپاهان به ثمر رساند و در نهایت کفش طلای لیگ را به صورت مشترک با پیرا تصاحب کرد.

اللهیار صیادمنش

دوران حضور اللهیار در استقلال طولانی نشد اما بازیکنی که با یک هزینه ناچیز از سایپا به استقلال پیوسته بود، با رقمی قابل توجه به فنرباغچه رفت و توانست بخشی از مشکلات مالی باشگاه را پوشش بدهد. صیادمنش در یک مقطع از فصل، استثنایی بود و مهره بدون جانشین تیم شفر به شمار می‌رفت اما آسیب‌دیدگی و البته ماجرای انتقال به یک تیم اروپایی، او را از ترکیب اصلی دور کرد.

محمد نادری

در نیم‌فصل به صورت قرضی از لیگ بلژیک به پرسپولیس پیوست و در کوتاه‌ترین زمان ممکن، سمت چپ خط دفاعی قرمزها را به تسخیر درآورد. او کیفیتی به مراتب بهتر از شایان مصلح داشت و به سرعت در پرسپولیس جا افتاد. سرنوشت این بازیکن برای فصل جدید هنوز روشن نیست اما هواداران باشگاه به شدت خواهان حفظ او هستند.

جورجی گولسیانی

در طول فصل چند بار به اشتباه دروازه خودی را باز کرد اما بهترین گل‌زن فصل نساجی و بهترین بازیکن این باشگاه بود. گل‌زن‌ترین مدافع لیگ پس از فصل موفقیت‌آمیز در نساجی، به سپاهان ملحق شده تا فصل جدید را در تیم قلعه‌نویی پشت سر بگذارد.

محمد کریمی

پدیده سپاهان در لیگ برتر هجدهم، از باشگاه خونه به خونه انتخاب شد. محمد کریمی در اولین فصل بازی برای طلایی‌ها، عنوان آقای پاس گل لیگ را به دست آورد. او در ۲۲ سالگی، یکی از مستعدترین پدیده‌های فوتبال ایران به شمار می‌رود.

یک سال قبل در چنین مقطعی، ریگی پیراهن بادران تهران را بر تن داشت. این بازیکن با تصمیم یحیی گل‌محمدی راهی پدیده شد و فصل فوق‌العاده‌ای را در مشهد سپری کرد. پس از تنها یک فصل در خشش در لیگ برتر، او حالا مورد توجه باشگاه استقلال قرار دارد

اتفاق روز

کی‌روش از آرژانتین انتقام گرفت

مسی در قفس پرتغالی!

برخورد با تیم ملی آرژانتین به میزبانی برزیل، به هیچ وجه تجربه ناشناخته‌ای برای کارلوس کی‌روش نیست. پنج سال قبل، این مربی با تیم ملی ایران در بلوهوریزنته با آرژانتین مسابقه داد و در حالی که بازی تا ثانیه‌های پایانی با تساوی بدون گل دنبال می‌شد، ضربه خارق‌العاده مسی همه معادله‌های او را به هم ریخت. پس از پنج سال، کی‌روش حالا به عنوان سرمربی کلمبیا با آلبی سلسته روبه‌رو شد و بالاخره توانست از حریف انتقام بگیرد. بازی در نیمه اول با تساوی بدون گل به پایان رسید اما در نیمه دوم کلمبیایی‌ها با دو گل از دو بازیکن تعویضی کی‌روش، نفس آرژانتین را گرفتند و کوپا را با پیروزی آغاز کردند.

این بار دیگر خبری از غافلگیری کی‌روش توسط مسی نبود و این مربی و تیمش، سوپراستار آرژانتینی را به خوبی متوقف کردند. کلمبیا در بیشتر دقایق بازی، تیم برتر زمین بود و مزد برتری‌اش را با رسیدن به سه امتیاز گرفت. اولین اتفاق عجیب در مورد این مسابقه، زمانی رخ داد که سرمربی جوان آرژانتین در فاصله یک روز به شروع بازی، ترکیب اصلی تیمش را با رسانه‌ها در میان گذاشت. ترکیبی که او برای تیمش انتخاب کرده بود، به شدت ناکارآمد به نظر می‌رسید. مثل همیشه دی ماریا و آگرو در خط حمله فروغ چندانی نداشتند و اسکالونی ترجیح داد از دیبالا و لوتارو مارتینز حتی به عنوان مهره تعویضی استفاده نکند.

اوضاع در خط دفاع، کاملا فاجعه به نظر می‌رسید. به ویژه در سمت راست خط دفاعی، سارابیا کاملا تسلیم حریف شد و روی هر دو گل دریافتی مقصر بود. همه حقیقت‌ها در مورد این آرژانتین، بانگاه به چهره هواداران این تیم در ورزشگاه واضح به نظر می‌رسید. تیمی کم‌ستاره، بی‌رمق، بی‌برنامه، به هم ریخته و به شدت آسیب‌پذیر.

نکته به نکته

تیم ملی و شهرستان‌ها؛ حماسه یا تراژدی؟

عشق، کافی نیست!

آریا رهنورد

رسم برگزاری برخی از دیدارهای ملی خارج از تهران، از سال‌ها قبل در فوتبال ایران وجود داشت و شهرهای تبریز، کرج و اصفهان میزبان دیدارهای تیم ملی بودند. در بیشتر کشورهای دنیا نیز چنین شیوه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد. تیم‌های ملی اسپانیا، انگلیس، ایتالیا، آلمان و...، هر مسابقه دوستانه و رسمی را در یک شهر برگزار می‌کنند تا همه مردم کشور را با فوتبال درگیر کنند. پس از چندین سال، این اتفاق در «والیبال» ایران رخ داد و دو شهر ارومیه و اردبیل، به عنوان میزبان دو مرحله از رقابت‌های لیگ ملت‌های والیبال انتخاب شدند. بر اساس تقویم، ایران باید در ارومیه به مصاف کانادا، لهستان و روسیه می‌رفت و در اردبیل نیز با پرتغال، استرالیا و فرانسه دیدار می‌کرد. دو مسابقه اول تیم ملی مقابل کانادا و لهستان، با استقبال پرشور هواداران همراه شد. تماشاگرها از ساعت‌ها قبل سکوها را به تسخیر درآوردند و نقشی کلیدی در دو پیروزی متوالی تیم کولاکوویچ داشتند.

حتی در پارک‌های ارومیه نیز امکانات برای تماشای دسته جمعی والیبال برای خانواده‌ها فراهم شده بود. درون ورزشگاه‌ها نیز «زیرساخت‌ها» برای حضور بانوان کافی به نظر می‌رسیدند و آنها بدون ایجاد فاصله با مردان، به سادگی روی سکوها به تشویق تیم‌شان پرداختند. تا اینجا همه چیز خوب و مثبت به نظر می‌رسید. استقبال خوب و جو والیبال ارومیه از یک طرف و میزبانی قابل قبول مسابقه از سوی دیگر، با واکنش‌های خوبی همراه شده بود اما در پایان جدال با کانادا، یک خبر تلخ به والیبال ایران رسید. خبری که نشان داد شهرستان‌ها هنوز برای میزبانی از دیدارهای بزرگ ملی آماده نیستند.

لحظاتی پس از پایان مسابقه با کانادا، چند ملی‌پوش ثابت تیم به دلیل ازدحام جمعیت آسیب دیدند. سعید معروف که در شهر زادگاهش بازی می‌کرد از ناحیه پا دچار مصدومیت شد و حتی چشم فرهاد قائمی نیز آسیب دید. خوشبختانه این مصدومیت‌ها جدی نبودند و همه بازیکنان تیم به دیدار بعدی با لهستان رسیدند اما رقم خوردن چنین فاجعه‌ای، یک امتیاز منفی بزرگ در کارنامه شهر میزبان بود. البته که مردم کارشان را به درستی انجام دادند و سالن را برای ستاره‌های محبوب‌شان پر کردند اما مدیران توانایی نظم بخشیدن و سامان دادن به این حضور گسترده را نداشتند. این اتفاق حتی می‌توانست عواقب جدی‌تری را نیز به دنبال داشته باشد و موجب آسیب جدی برای چند بازیکن والیبال شود. اگر پس از تماشای دیدار با کانادا، ایده سپردن میزبانی از چند دیدار تدارکاتی تیم ملی فوتبال به شهرستان‌ها در فدراسیون فوتبال ایجاد شده بود، پس از مواجهه با اتفاقات پس از مسابقه، بدون شک این ایده به محاق رفت. البته که شهرهایی مثل ارومیه و اردبیل، ظرفیت‌های میزبانی از دیدارهای تیم ملی فوتبال را ندارند و بیشتر در والیبال، صاحب امکانات هستند اما آیا در شهرهای بزرگی مثل اصفهان، تبریز و اهواز، اوضاع مطلوب‌تر است؟ در همین فصل چند بار دیدارهای اهواز به دلیل پرتاب سنگ برای دقایقی متوقف شده‌اند. ماجرای کمدی مربوط به فینال جام حذفی نیز در استادیوم مدرن همین شهر به لطف مدیریت قرون وسطایی سازمان لیگ رقم خورد. در اصفهان نیز درگیری‌هایی بین هواداران سپاهان و پرسپولیس شکل گرفت و در تبریز نیز رفتارهای عجیبی از سوی تراکتوری‌ها سر زد. البته که در تهران نیز اوضاع چندان بهتر نبود اما با این حال، کنترل اوضاع در ورزشگاه آزادی کمی ساده‌تر به نظر می‌رسد. نباید فراموش کرد که حساسیت فیفا و ای.اف.سی روی میزبانی تیم‌ها چقدر زیاد است. این حساسیت با رفتارهای فدراسیون جهانی والیبال قابل مقایسه نیست. ای.اف.سی در چند سال گذشته بارها باشگاه‌های ایرانی را تنها به خاطر نشستن تماشاگر در راهروهای ورزشگاه، با جریمه‌های سنگینی روبه‌رو کرده است.

البته که تیم‌های ملی در همه رشته‌های ورزشی، متعلق به مردم سراسر ایران هستند. انتقال دیدارهای تیم ملی فوتبال به شهرهای دیگر نیز می‌تواند استقبال پرشوری را برای این تیم رقم بزند. با این وجود تا زمانی که نظم و امنیت در همه ورزشگاه‌های همه شهرها به طور کامل اجرا نشود، چنین طرحی مسکوت خواهد ماند. اگر قرار است پس از استقبال همه جانبه از یک تیم ملی، بازیکنان تیم به دلیل ازدحام جمعیت از چند ناحیه آسیب ببینند، بهتر است که همه بازی‌ها در همان ورزشگاه آزادی برگزار شوند. شور و اشتیاق، برای دریافت میزبانی یک مسابقه فوتبال به تنهایی کافی نیست. شهرها برای رسیدن به این امتیاز باید به جز تماشاگران مشتاق، مدیران لایق نیز داشته باشند.